

آینده حکمرانی در عصر تقویت شناخت انسان با هوش مصنوعی

۱۴۰۳/۱۱/۲۳

آقای رئیس، خانم‌ها و آقایان،

ما در آستانه یک تحول مهم قرار داریم. هوش مصنوعی (AI) تنها برای خودکارسازی وظایف اجرایی یا صنایع نیست، بلکه شناخت انسان را تقویت و تعریف جدیدی از حکمرانی را ایجاد می‌کند. بدین ترتیب، در چند دهه آینده شاهد ترکیب هوش انسان با قابلیت‌های هوش مصنوعی خواهیم بود و الگوهای جدیدی برای حکمرانی و مدیریت عمومی پدیدار خواهد گشت. پیشرفت در فناوری عصبی، یادگیری ماشین و علوم شناختی پیشران این تحول خواهند بود. رابط‌های مغز و رایانه (BCI) ارتباط مستقیم بین سلول‌های عصبی مغز و سامانه‌های هوش مصنوعی را ممکن می‌سازند و تقویت سلول‌های عصبی، کارکردهای شناختی انسان را ارتقا خواهند بخشید، به طوری که بتوانند حجم وسیعی از اطلاعات را در آن واحد پردازش کنند. دستیارهای شناختی هوش مصنوعی - پایه، نقش مهمی را در تصمیم‌گیری‌ها، بینش لحظه‌ای و تقویت شهود انسان ایفا خواهند کرد. با یکپارچه‌شدن الگوریتم‌های هوش مصنوعی و گذرگاه‌های عصبی، شاهد ظهور هوشی ترکیبی خواهیم بود که در آن خلاقیت انسان و قابلیت‌های تحلیلی هوش مصنوعی با هم کار می‌کنند. البته، این همگرایی نیازمند چارچوب‌های شدید اخلاقی برای تضمین این است که تقویت شناختی ابزاری برای قدرتمندسازی انسان و نه ابزاری برای کنترل اوست. علاوه بر این، باید تضمین شود که هوش مصنوعی، نه سوگیری‌های شناختی، بلکه تصمیم‌گیری عادلانه و آگاهانه را تقویت می‌کند. نقش علوم شناختی در این تحول بسیار مهم است، زیرا به ما کمک می‌کند تا بدانیم چگونه توانایی استدلال، تصمیم‌گیری و رفتار اجتماعی انسان با تقویت هوش مصنوعی سازگار می‌شود. ما با ترکیب بینش‌های مبتنی بر علوم اعصاب و روان‌شناسی، می‌توانیم مدل‌هایی برای حکمرانی طراحی کنیم که همکاری انسان و هوش مصنوعی را بهینه ساخته، بار شناختی و تقویت سوگیری‌های شناختی را کاهش دهند.

حضار محترم

توانایی هوش مصنوعی در تجزیه و تحلیل حجم گسترده‌ای از داده‌ها، به دولت‌ها امکان می‌دهد بحران‌ها را قبل از وقوع، پیش‌بینی کنند. حکمرانی پیش‌بینی‌کننده، به جای اقدامات واکنشی، به مداخله سیاستی پیشینی، چه در تغییرات اقلیمی و چه در

رکود اقتصادی، می‌پردازد. دولت‌ها به جای نهادهای واکنش‌گرا به نهادهایی پویا تبدیل خواهند شد تا به طور مداوم بر اساس پیش‌بینی‌های صورت‌گرفته خود را تنظیم و تعدیل کنند.

علوم شناختی با افزایش درک ما از تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت، حکمرانی پیش‌بینی‌کننده را هر چه بهتر اصلاح خواهد کرد. با پیشرفت هوش مصنوعی، انتظار می‌رود دولت‌ها کوچک‌تر و چابک‌تر شوند و به جای کنترل اداری، بر نظارت راهبردی تمرکز کنند. هوش مصنوعی فرآیندهای دیوان‌سالاری را ساده می‌کند، ارائه خدمات عمومی را بهینه می‌سازد و کارهای زائد را کاهش می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین چالش‌های امروز دولت‌ها، نابرابری در دسترسی به فرصت‌ها، منابع و خدمات در بخش‌های مختلف جامعه است. نابرابری اقتصادی و دسترسی نابرابر آموزشی ناشی از شکاف دیجیتال، تهدیدی برای انسجام اجتماعی و توسعه پایدار است. هوش مصنوعی، فرصتی انحصاری برای پر کردن این شکاف، از طریق برنامه‌هایی که عدالت اجتماعی و برابری در سطح ملی را تسهیل خواهند کرد، فراهم می‌سازد.

تجزیه و تحلیل‌های مبتنی بر هوش مصنوعی می‌تواند به دولت‌ها کمک کند تا مناطق و جوامع محروم را شناسایی کنند و مداخلات سیاستی متناسب با نیازهای مناطق خاص را انجام دهند. برای مثال، هوش مصنوعی می‌تواند توزیع برنامه‌های رفاه اجتماعی را بهینه و تضمین کند که کمک‌های مالی، یارانه‌ها و منابع به شیوه‌ای مؤثر به آسیب‌پذیرترین قشر جامعه می‌رسد.

خانم‌ها و آقایان

در توسعه اقتصادی، هوش مصنوعی می‌تواند از شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) با ارائه اطلاعات و بینش درباره بازار، از خودکارسازی فرآیندهای تجاری و توسعه دسترسی به خدمات مالی، حمایت کند. فناوری مالی مبتنی بر هوش مصنوعی، همچون وام‌دهی دیجیتال و تامین مالی خرد مبتنی بر بلاک‌چین، می‌تواند کارآفرینان را در مناطق کم‌بهره‌مند، توانمند سازد، تحرک اقتصادی را تقویت کند و نابرابری در درآمد را کاهش دهد.

نابرابری‌های شهری و روستایی را می‌توان با برنامه‌ریزی زیرساختی هوشمند متکی بر هوش مصنوعی، کاهش داد. هوش مصنوعی می‌تواند به دولت‌ها در بهینه‌سازی شبکه‌های حمل و نقل، پیش‌بینی افزایش تقاضای مسکن و خدمات عمومی کمک کند. با استفاده از هوش مصنوعی در برنامه‌ریزی شهری، دولت‌ها می‌توانند اطمینان یابند که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، به صورت عادلانه توزیع و توسعه متوازن منطقه‌ای تقویت می‌شود.

در بخش آموزش، سکوهای آموزش فردی هوش مصنوعی-پایه، می‌توانند تفاوت‌های بین نظام‌های آموزشی شهری و روستایی را کاهش دهند. نظام‌های آموزشی هوشمند که با هوش مصنوعی پشتیبانی می‌شوند، می‌توانند با راهنمایی لحظه‌ای و پودمان‌های آموزشی انطباقی، از دانش‌آموزانی که از دسترسی به معلمان برجسته محرومند، پشتیبانی کنند.

در تحصیلات دانشگاهی، هوش مصنوعی آموزش عالی را از طریق یادگیری فردی و کارآمدسازی اداری تغییر می‌دهد. سامانه‌های مدیریت یادگیری مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند محتوای درسی را متناسب با نیازهای هر یک از دانشجویان، تولید کنند و با سرعت و سبک یادگیری آن‌ها تطبیق دهند. آموزگاران مجازی و ابزارهای ارزیابی مبتنی بر هوش مصنوعی، بازخوردی بلادرنگ ارائه و تضمین می‌نمایند که دانش‌آموزان، مفاهیم پیچیده را به شکل مؤثرتری درک کنند.

هوش مصنوعی همچنین با ارائه ابزارهای ترجمه، خدمات رونویسی خودکار و سکوهای یادگیری تطبیقی برای دانشجویان دارای معلولیت، دسترسی آنها را به آموزش عالی بهبود می‌بخشد. با از بین بردن موانع آموزش، هوش مصنوعی تضمین می‌کند که دانش و فرصت‌های یادگیری برای جمعیت گسترده‌تری در دسترس است.

در حوزه پژوهش نیز، هوش مصنوعی می‌تواند حجم وسیعی از ادبیات علمی را تجزیه و تحلیل کند، ایده‌های نوظهور را شناسایی نماید و مسیرهای پژوهشی نوآورانه‌ای را پیشنهاد دهد. شبیه‌سازی‌ها و ابزارهای مدل‌سازی مبتنی بر هوش مصنوعی به محققان اجازه می‌دهد تا فرضیه‌های خود را آزمایش کنند، در فضاهای مجازی به آزمایش بپردازند و پیشرفت علمی را در حوزه‌های میان رشته‌ای سرعت بخشند.

نظام‌های دانشگاهی مبتنی بر هوش مصنوعی، امور دانشگاه را با زمان‌بندی خودکار دروس، خدمات دانشجویی و تصمیم‌گیری درون‌سازمانی، آسان می‌سازد. این روند بهره‌وری را افزایش، هزینه‌ها را کاهش و به مریبان اجازه می‌دهد تا تمرکز بیشتری بر آموزش و هدایت دانشجویان داشته باشند.

دوستان عزیز

هوش مصنوعی می‌تواند نقش مهمی در بهبود دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی داشته باشد. سکوهای راه دور پزشکی مبتنی بر هوش مصنوعی، می‌توانند شکاف مراقبت‌های بهداشتی بین مناطق شهری و روستایی را پر کنند و امکان مشاوره از راه دور، تشخیص زودهنگام بیماری و برنامه‌ریزی برای مراقبت‌های بهداشتی پیش‌بینی‌کننده را فراهم سازند. دولت‌ها می‌توانند از هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی تخصیص منابع پزشکی استفاده و اطمینان حاصل کنند که جوامع محروم، از خدمات بهداشتی کافی برخوردارند.

با افزایش سن جمعیت، هوش مصنوعی می‌تواند رفاه و مراقبت از سالمندان را افزایش دهد. سامانه‌های نظارت بر سلامت هوش مصنوعی - پایه می‌توانند داده‌های لحظه‌ای دائمی درباره وضعیت سلامتی سالمندان را ارائه دهند و متخصصان مراقبت‌های بهداشتی و مراقبان را درباره مشکلات بالقوه پزشکی آنها، قبل از اینکه به مرحله بحرانی برسد، آگاه سازند. دستگاه‌های پوشیدنی هوش مصنوعی می‌توانند علائم حیاتی را ردیابی کنند، زمین‌خوردگی را تشخیص دهند، وخامت سلامتی را پیش‌بینی کنند و مداخلات به موقعی را که کیفیت زندگی را بهبود می‌بخشد، میسر سازند.

علاوه بر این، سامانه‌های خودکار خانگی مجهز به هوش مصنوعی می‌توانند به افراد مسنی که دچار چالش‌های حرکتی هستند، در تنظیم نور، دما و سایر شرایط خانه برای ایجاد یک محیط امن و راحت به آنها کمک کنند. سامانه‌های تحلیلی پیش‌بینی‌کننده مبتنی بر هوش مصنوعی می‌توانند به دولت‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات مراقبت‌های بهداشتی کمک کنند تا منابع را به طور کارآمد تخصیص دهند و اطمینان حاصل کنند که خدمات مراقبت از سالمندان به درستی توزیع و برای همه اقشار جامعه قابل دسترسی است.

همکاران گرامی

در دهه‌های آینده، توان رهبری سیاسی تنها به فرهی یا توانایی متقاعد کردن دیگران محدود نخواهد بود، بلکه به توانایی آنها در کاربرد موثر هوش مصنوعی بستگی دارد. تصمیم‌گیرندگان باید داوری انسان را با توصیه‌های هوش مصنوعی متوازن سازند. این وضعیت پرسش‌های مهمی را پیش می‌کشد: آیا توان شهود انسان همچنان در حکمرانی، ایفای نقش خواهد کرد؟ آیا سیاست‌های پیشنهاد شده توسط هوش مصنوعی کارآمدتر از تصمیمات انسانی نخواهند بود؟

به هر حال، استفاده از هوش مصنوعی در حکمرانی مستلزم سازگاری ساختارهای دولتی با هوش مصنوعی است. مدل‌های بوروکراتیک سنتی، که اغلب کند و سخت هستند، باید متحول و به فرآیندهای تصمیم‌گیری مبتنی بر هوش مصنوعی تغییر یابند. دولت‌ها باید واحدهای تخصصی حکمرانی مبتنی بر هوش مصنوعی را تاسیس کنند تا وظیفه نظارت بر یکپارچه‌سازی هوش مصنوعی، تضمین شفافیت و نظارت بر رعایت استانداردهای اخلاقی را بر عهده داشته باشند.

حکمرانی مبتنی بر هوش مصنوعی مستلزم تجدید ساختارهای مدیریت دولتی، جهت‌چابکی، داده‌محوری و پاسخ‌گویی سازمانی است. نهادها باید از ساختارهای تصمیم‌گیری سلسله‌مراتبی به ساختارهای شبکه‌ای، جهت استفاده از بینش‌های لحظه‌ای هوش مصنوعی، تغییر شکل دهند. لازمه این کار، آموزش کارمندان بخش عمومی برای کار در کنار سامانه‌های هوش مصنوعی و

کسب اطمینان از آن است که از نظارت انسانی باید همچون بخش حیاتی حکمرانی هوش مصنوعی- پایه، استفاده گردد. در حکمرانی آینده هوش مصنوعی شناخت انسان را تقویت می کند و امکان سیاست گذاری دقیق، به موقع و فراگیر را فراهم می سازد.

البته، دولت ها باید به مسائل مربوط به امکان سوگیری هوش مصنوعی، عرضه اطلاعات نادرست و مشکلات حاکمیت دیجیتال نیز بپردازند. با شناخت مبتنی بر هوش مصنوعی، توانایی دستکاری ادراکات عمومی افزایش می یابد و این امر نیاز به تدابیر امنیتی در برابر سوء استفاده از تقویت کارکردهای شناختی در میدان سیاست و حکومت دارد. نقش علوم شناختی در شکل دهی به این پادمان های حفاظتی، حیاتی خواهد بود و بینش هایی را در مورد اینکه چگونه دستکاری شناختی رخ می دهد و چگونه افراد می توانند به صورت نقادانه محتوای تولید شده توسط هوش مصنوعی را ارزیابی کنند، فراهم خواهد ساخت.

در سطح بین المللی، نهادهای جهانی مانند سازمان ملل متحد نیز باید خود را با این تحولات تطبیق دهند. دیپلماسی مبتنی بر هوش مصنوعی می تواند کشورها را قادر سازد تا روندهای جهانی را به طور موثرتری تجزیه و تحلیل کنند، تغییرات ژئوپلیتیکی را پیش بینی و در حل مناقشات مشارکت فعال داشته باشند. سازمان ملل نیاز به ایجاد شوراهای خاص هوش مصنوعی برای نظارت بر رعایت استانداردهای اخلاقی مربوط به هوش مصنوعی در تصمیم گیری های بین المللی دارد.

خلاصه آنکه، هوش مصنوعی این ظرفیت را دارد که موجب برابری شود و تضمین کند که رشد اقتصادی و پیشرفت های فناوری به نفع همه شهروندان و نه فقط تعداد کمی از افراد برخوردار است. دولت ها با استفاده از مدل های حکمرانی مبتنی بر هوش مصنوعی، می توانند سیاست هایی را اتخاذ کنند که فراگیرتر، پاسخگوتر و عادلانه تر باشد. چالش پیش روی ما این نیست که آیا هوش مصنوعی زندگی ما را تغییر خواهد داد یا نه، بلکه این است که آیا ما از قدرت آن برای منافع عمومی استفاده خواهیم کرد یا خیر. ما به عنوان رهبران و سیاست گذاران، باید اطمینان حاصل کنیم که هوش مصنوعی همچون وسیله ای برای توسعه عدالت، توانمندسازی افراد جامعه و برقراری رفاه مشترک عمل کند. ما می توانیم از این فناوری برای ایجاد جوامعی عادلانه، فراگیر و انعطاف پذیر استفاده کنیم. آینده حکمرانی نه تنها باید دیجیتالی، بلکه عادلانه، دلسوزانه و مولد باشد.

متشکرم.